صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

تصادف

تصادف آتشین در جاده کرج

تصادف شبانه ۲ خودرو در آزادراه تهران-کرج به مرگ هولناک زنی جوان منجر شد. این حادثه شامگاه شنبه در مسیر غرب به شرق آزادراه کرج، قبل از خروجی اتوبان ستاری اتفاق افتاد و در جریان تصادف یک سایپا با یک پژو۲۰۶، خودروی پژو شعله‌ور شد و سرنشین آن که زن جوانی بود، جان خود را از دست داد.

انتظامی

مصالحه ۶۹درصدی در مراکز مشاوره پلیس

معاون فرهنگی و اجتماعی فراجا گفت: ۶۹درصد پرونده مشکلات خانوادگی که به پلیس ارجاع می‌شود با صلح به پایان می‌رسد و نیازی به اقدام انتظامی و مراجع قضایی ندارد. سردار سعید منتظرالمهدی ادامه داد: در ماه‌های اخیر در ۵۵مرکز مشاوره پلیس، به بالغ بر ۱۸هزار درخواست مشاوره و مددکاری رسیدگی شده است.

خدیجه کوچولو که ۵ماه پیش از مقابل خانه‌شان ربوده شده بود به آغوش خانواده‌اش بازگشت

دختر ۳ساله، پلیس را به باند کودک‌ربایی رساند

گزارش

الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

دختر بچه ۳ساله افغانی که ۵ماه قبل در محله شوش تهران ربوده شده و توسط اعضای یک باند مخوف فروخته شده بود، با تلاش کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران به آغوش خانواده‌اش بازگشت. تحقیقات پلیس برای یافتن دختربچه ربوده شده، اسرار باند مخوف خرید و فروش نوزادان را فاش کرد. به گزارش همشهری، ۲۹مرداد امسال گزارش یک کودک‌ربایی به پلیس آگاهی تهران اعلام شد. کودک ربوده شده خدیجه نام داشت و ۳ساله بود. به گفته پدرش، خدیجه با برادرانش در کوچه در حال بازی بوده که ناگهان ناپدید شده بود. کارآگاهان پلیس آگاهی تهران با انجام تحقیقات گسترده و بررسی دوربین‌های مداربسته به زوجی جوان رسیدند که کودک را پس از ربودن در کوچه، به خانه‌ای در آن حوالی برده و تحویل ۲ خواهر که آنجا زندگی می‌کردند دادند. در این شرایط ۲ خواهر و زوج کودک‌ربا بازداشت شدند و با اعترافات آنها اسرار زنی که سردسته باند خرید و فروش کودکان و نوزادان بود فاش شد. این زن که به «خانم دکتر» معروف بود، دختربچه ربوده شده را در ازای مبلغی هنگفت به خانواده‌ای در شمال کشور فروخته بود. با این اطلاعات، «خانم دکتر» و سایر اعضای باند نیز در عملیات جداگانه پلیس دستگیر شدند. سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران با اعلام این خبر به همشهری گفت: خوشبختانه تلاش کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران که به‌صورت شبانه روزی روی این پرونده کار کردند، نتیجه داد و مشخص شد که دختربچه ربوده شده به خانواده‌ای در یکی از شهرهای شمالی کشور به مبلغ ۱۶۰میلیون تومان فروخته شده است. با این سرنخ، دختربچه شناسایی و با انتقال به تهران، به خانواده‌اش تحویل داده شد. وی افزود: در این پرونده، ۱۰ زن و مرد دستگیر شده‌اند که تعدادی از آنها در زندان‌های شمال کشور هستند. سرکرده این باند (خانم دکتر) تاکنون به خرید و فروش ۴نوزاد اعتراف کرده و تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.

غافلگیری در حیاط اداره آگاهی تهران

صبح دیروز حیاط اداره آگاهی تهران شاهد صحنه‌هایی مملو از اشک و لبخند بود. پدر و مادر خدیجه کوچولو منتظر بودند تا تیم اعزامی پلیس آگاهی به شمال کشور که دست پر به تهران برگشته بودند، وارد حیاط اداره آگاهی شوند. مادر می‌گوید: «خدیجه تک دخترم است و ۳فرزند دیگرم پسر هستند. او دختر شیرین زبانی است و نمی‌دانم در این ۵ماه، به او چه گذشته است». پدر نیز با گریه ادامه می‌دهد: «او خیلی به ما وابسته بود و برادرانش بی‌تاب دیدنش هستند.» در همین لحظه در حیاط پلیس آگاهی تهران باز می‌شود، خودروی پلیس وارد می‌شود. یکی از مأموران درحالی که خدیجه کوچولو را در آغوش دارد از ماشین پیاده می‌شود و دختر بچه با دیدن پدر و مادرش به سمت آنها می‌دود. پدر و مادر با اشک و لبخند، کودک دلبندشان را پس از ۵ماه دوری در آغوش می‌گیرند و همین صحنه‌ها کافی است تا خستگی کارآگاهان پلیس که مدت‌ها برای پیدا کردن خدیجه کوچولو تلاش کرده بودند از تن‌شان برود.

گفت‌وگو

خانم دکتر قلابی

۲ زن دستبند به‌دست در اداره یازدهم آگاهی تهران ایستاده‌اند. جرمشان کودک‌ربایی و فروش آنهاست. یکی از آنها پرستو نام دارد؛ همان زنی که به همراه خواهرش، خدیجه کوچولو را از تهران به شمال کشور برد و در اختیار «خانم دکتر» قرار داد. اما می‌گوید که از ماجرای کودک‌ربایی بی‌اطلاع بوده‌است. گفت‌وگو با او را بخوانید.

چطور ادعا می‌کنی که از کودک‌ربایی بی‌اطلاع هستی؟

چون نمی‌دانستم که خدیجه ربوده شده است. راستش من دوستی داشتم به نام سمانه. خیلی با هم صمیمی بودیم. یک روز سمانه گفت که زن و شوهری را می‌شناسد که وضع مالی خوبی ندارند و می‌خواهند دخترشان به نام پریا را بفروشند. من هم زنی به نام باران را می‌شناختم که ساکن شمال بود. می‌دانستم که باران با فردی معروف به «خانم دکتر» در ارتباط است و خانم دکتر کارش خرید و فروش بچه‌هاست. برای همین به پدر و مادر پریا گفتم که می‌توانم بچه‌شان را بفروشم. اما یک‌ماه بعد متوجه شدم که آنها پدر و مادر پریا نیستند و دختربچه هم اسمش خدیجه است. آن زن و شوهر خدیجه را از مقابل خانه‌شان دزدیده بودند.

بعد از اینکه آن زن و شوهر دختربچه را به تو دادند، چه کردی؟

قبل از آن با دوستم باران که در شمال کشور زندگی می‌کند تماس گرفتم و ماجرا را تعریف کردم. او از من خواست شبانه به رشت برویم و بچه را تحویل او بدهیم. من هم دختربچه را از زن و شوهری که فکر می‌کردم پدر و مادرش هستند گرفتم و به همراه خواهرم او را به رشت بردیم و تحویل باران دادیم.

چقدر گیرتان آمد؟

۹۵میلیون تومان.

مگر مشکل مالی داری؟

مشکل مالی که ندارم اما طمع کردم. من ماهانه ۲۰ تا ۲۵میلیون تومان درآمد دارم و دلم می‌خواست پول قلمبه دستم را بگیرد.

بعد از فروش کودک، دیگر از او خبر نداشتی؟

از دوستم باران شنیدم که «خانم دکتر» بچه را به زوج میانسالی در شهرستان فومن که نمی‌توانستند بچه‌دار شوند، فروخته است. آنطور که من فهمیدم زوج میانسال شرایط زندگی خیلی خوبی داشتند اما سال‌ها در حسرت بچه بودند. تا اینکه یک‌ماه بعد، عکس پریا دختر ۳ساله را در اینستاگرام دیدم. آنجا بود که فهمیدم اسم واقعی‌اش خدیجه است و آن زن و شوهری که خودشان را جای پدر و مادر بچه جا زده بودند، کودک‌ربا بوده‌اند و بچه را دزدیده‌اند.

چرا راز این کودک‌ربایی را فاش نکردی؟

(باگریه) راستش ترسیدم.

از خانم دکتر چه چیزهایی می‌دانی؟

می‌گفتند او ماماست و در کار سقط جنین است. اما بعدا فهمیدم که تحصیلاتش تا راهنمایی است و کارش خرید و فروش نوزادان و کودکان است. بچه‌هایی که پدر و مادرشان، آنها را نمی‌خواستند شناسایی می‌کرد، یا زنانی که به‌صورت نامشروع باردار شده و می‌خواستند بچه را سقط کنند، هزینه‌اش را پرداخت می‌کرد و بچه را به خانواده‌هایی که بچه‌دار نمی‌شدند می‌فروخت.

نجات زن قاتل از مجازات قصاص

زنی جوان که با همدستی شوهر و برادرش مرد آشنایی را به قتل رسانده و به قصاص محکوم شده بود، با گذشت اولیای دم از مجازات قصاص رهایی یافت.

به گزارش همشهری، نخستین برگ این پرونده جنایی ششم آذر سال ۱۴۰۰ ورق خورد. آن روز جسد مردی در یکی از محله‌های تهران پیدا شد که با ضربات چاقو به قتل رسیده بود. یک کارت شناسایی در جیب مقتول بود که هویت او را فاش کرد. آنطور که خانواده‌اش می‌گفتند مرد جوان آخرین بار برای دیدن یکی از دوستانش از خانه بیرون رفته و دیگر برنگشته بود.

ردپای یک زن

کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بعد از تحقیقاتی در این پرونده به حقایقی دست یافتند. مقتول با زنی به نام طاهره تماس تلفنی داشت و آخرین بار با وی تماس گرفته و قرار گذاشته بود. همین کافی بود تا طاهره دستگیر شود. او که منکر هر گونه آشنایی با مقتول بود، وقتی شواهد را علیه خود دید، به قتل مرد جوان با همدستی شوهر و برادرش اعتراف کرد. او گفت: من با شوهرم به‌شدت اختلاف داشتم تا اینکه یک روز به‌عنوان مسافر سوار ماشین مقتول شدم. آن روز سفره دلم را برای او باز کردم و همین موجب شد تا آشنایی ما شکل بگیرد. از آن روز به بعد، هر از گاهی با یکدیگر تماس می‌گرفتیم. وی ادامه داد: در آن زمان، من با شوهرم قهر کرده بودم و می‌خواستم طلاق بگیرم تا اینکه شوهرم رفتارش را عوض کرد و با هم آشتی کردیم. تصمیم گرفته بودم که دیگر جواب تماس‌های مقتول را ندهم تا اینکه شوهرم متوجه ماجرا شد. از من خواست با مرد جوان قراری بگذارم تا با او حرف بزند. شوهرم از برادرم هم خواست آنجا باشد و من روز حادثه با مقتول قرار گذاشتم و وقتی به محل قرار آمد، با برادرم و شوهرم درگیر شدند. در جریان درگیری، طنابی دور گردنش انداختم تا او را بترسانم، اما مرد جوان فوت شد. ما هم ناچار شدیم او را در خیابان رها و فرار کنیم.

فرصت زندگی

متهمان این پرونده پس از مدتی در دادگاه کیفری محاکمه شدند. قضات دادگاه زن جوان را به قصاص و ۲مرد دیگر (شوهر و برادر زن جوان) را به زندان محکوم کردند. با قطعی شدن رأی در دیوان عالی کشور، پرونده به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد. در این شرایط شمارش معکوس برای قصاص زن قاتل شروع شد. از سوی دیگر، جلسات صلح و سازش در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد تا اینکه اولیای دم به‌خاطر رضای خدا، زنی را که در یک‌قدمی چوبه دار بود بخشیدند و درخواست دیه کردند. به این ترتیب، زن جوان از قصاص گریخت و فرصت زندگی دوباره یافت.

بسته خبری خارجی

قصاب دهلی سال‌ها پلیس را مسخره می‌کرد

قاتل سریالی ۱۸نفر که به‌خاطر جنایات هولناکش به قصاب‌دهلی معروف شده بود، یک سال پس از فرار از زندان دستگیر شد.

به گزارش همشهری به نقل از رسانه‌های هند، در سال‌های ۲۰۰۶و ۲۰۰۷جنایات هولناک یک قاتل سریالی در دهلی، مردم را به وحشت انداخت. مقتولان مردان و زنانی بودند که قاتل سریالی آنها را ابتدا خفه و بعد اجسادشان را مثله می‌کرد. او اجساد را در کیسه‌های پلاستیکی و کاملا مرتب بسته‌بندی و بعد آنها را در نزدیکی زندان یا کلانتری‌ها رها می‌کرد. مرد جنایتکار در کنار همه اجساد یک یادداشت هم به‌جا می‌گذاشت. یادداشتی که در آن پلیس را مسخره کرده و نوشته بود: «قتل‌ها را من انجام داده‌ام. اگر می‌توانید مرا بگیرید.» قتل‌های این مرد ۵۷ساله که چاندر کانت نام دارد، ادامه داشت و درحالی که او ۱۸نفر را با این شگرد به قتل رسانده بود، در نهایت پلیس توانست با پیگیری سرنخ‌های موجود، وی را شناسایی و دستگیر کند. چاندر کانت در دادگاه به اتهام قتل ۱۸نفر به ۲بار اعدام محکوم شد و به زندان افتاد اما در سال ۲۰۱۶ درخواست وی برای رسیدگی دوباره به پرونده‌اش پذیرفته شد و حکم او این بار به حبس ابد بدون تخفیف تبدیل شد. قاتل سریالی، سال‌ها در زندان بود تا اینکه یک سال پیش درخواست عفو مشروط و مرخصی از زندان داد. درحالی که رسیدگی به درخواست عفو مشروط او ادامه داشت، مسئولان زندان با مرخصی چند روزه او موافقت کردند و وی از زندان خارج شد اما پس از آن ناپدید شد و دیگر به زندان برنگشت. خبر فرار این قاتل بدنام که از سوی رسانه‌ها به قصاب دهلی معروف شده بود، بار دیگر موجی از ترس و وحشت را میان مردم به‌وجود آورد و تلاش پلیس برای دستگیری دوباره او آغاز شد. پلیس حتی برای هرگونه اطلاعاتی که باعث دستگیری مرد جنایتکار شود، جایزه ۵۰هزار روپیه‌ای تعیین کرد و در طول چندین‌ماه همه اعضای خانواده این مرد و افرادی که احتمال داشت با وی در ارتباط باشند را زیرنظر گرفت تا اینکه به یک شماره موبایل مشکوک رسید که احتمال می‌رفت متعلق به قاتل فراری باشد. این شماره موبایل مأموران را به ایستگاه راه‌آهن دهلی رساند و اما قاتل سریالی با دیدن پلیس تلاش کرد که با سوار شدن به قطار از دست مأموران بگریزد که موفق نشد و در نهایت دستگیر شد. با دستگیری قصاب دهلی، حالا این احتمال وجود دارد که وی این بار از سوی دادگاه به اعدام محکوم شود.

جنایت مقابل کلیسا

دستگیری ۳متهم در پرونده تیراندازی مرگبار به‌سوی شرکت‌کنندگان در یک مراسم عزاداری در مقابل کلیسایی در لندن، از دیگر اخبار مهم حوادثی رسانه‌های دنیا در روز گذشته بود. این تیراندازی در آخرین روزهای سال گذشته میلادی و زمانی رخ داد که شرکت‌کنندگان در مراسم عزاداری در حال خروج از کلیسا بودند. یک خودروی کیا با شیشه‌های دودی برای لحظاتی مقابل کلیسا توقف کرد و تیراندازی از داخل خودرو شروع شد. در جریان این تیراندازی زنی ۴۴ساله به نام میشل سادیو کشته شد و ۲نفر مجروح شدند. با فرار عاملان تیراندازی، تحقیقات پلیس آغاز و مشخص شد که لحظاتی قبل از تیراندازی، گروهی از جوانان قصد ورود به کلیسا را داشته‌اند اما به‌دلیل اینکه مشروبات الکلی مصرف کرده بودند، از ورود آنها ممانعت شده بود. آنها نیز عصبانی شدند و دست به این اقدام زدند. روز گذشته پلیس اعلام کرد که ۳متهم این پرونده را که ۳جوان ۱۸ تا ۲۶ساله هستند دستگیر کرده و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

آخرین خبر

بخشش برای رضای خدا

پدر مقتول برگه بخشش قاتل را امضا کرد

«به‌خاطر خدا بخشیدم»؛ پدر مقتول با بغض این جمله را گفت و رضایت‌نامه را امضا کرد تا با ذکر صلوات حاضران پرونده قتل بسته شود. این خبر خوب مربوط به پرونده‌ای است که سال ۹۷ با قتل جوانی در شهرستان بروجن واقع در استان چهارمحال‌وبختیاری گشوده شد. قاتل جوانی بود که در درگیری مرتکب قتل شده بود. همه شواهد و مدارک از جمله اعترافات متهم علیه او بود و در این شرایط او محاکمه و به قصاص محکوم شد. با وجود قطعی شدن این رأی اما خانواده قاتل و شماری از بزرگان و ریش‌سفیدان منطقه تلاش کردند اولیای دم را راضی به بخشش کنند؛ اما آنها حاضر به این کار نبودند و جوان محکوم به قصاص ۷سال را پشت میله‌های زندان گذراند تا اینکه سرانجام بار دیگر تلاش‌ها برای صلح‌وسازش از سر گرفته شد و این‌بار پدر و مادر مقتول که متوجه شده بودند قاتل در این مدت به اندازه کافی تنبیه شده، در جلسه‌ای با حضور مسئولان شهر رضایت‌نامه را امضا کردند. در این مراسم پدر مقتول با بغض گفت که فقط برای خدا این تصمیم را گرفته‌است.

آموزش

کوهنوردی بی‌خطر در زمستان

کوهنوردی در زمستان با خطراتی همراه است که ممکن است به قیمت جان افراد تمام شود. برای مقابله با این خطرات قاسم غریب‌آبادی، مدیرعامل هلال‌احمر گلستان می‌گوید: لازم است کوهنوردان قبل از رفتن به مناطق کوهستانی حتما به هشدارهای هواشناسی توجه و وضعیت آب‌وهوا را بررسی کنند. قبل از رفتن به خانواده یا دوستان خود اطلاع دهید که کجا می‌روید و چه زمانی برمی‌گردید. این کار می‌تواند در مواقع اضطراری بسیار کمک‌کننده باشد.
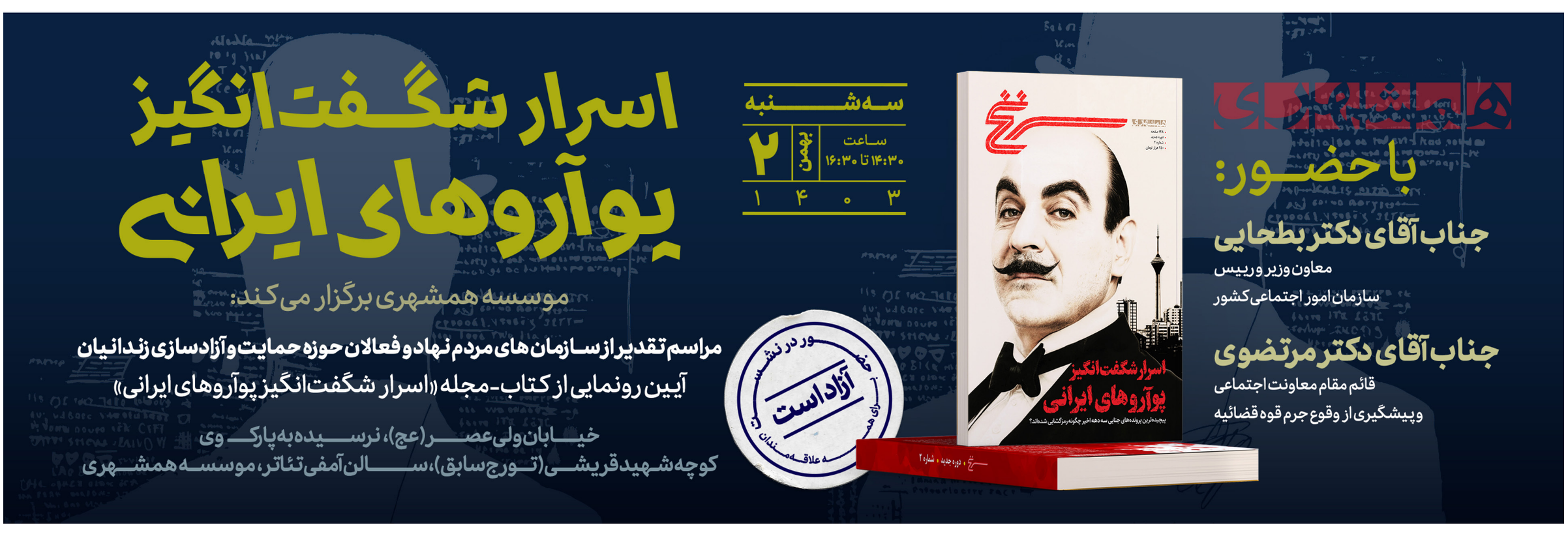
او توضیح می‌دهد: لباس گرم، غذا، آب، چراغ‌قوه و کیف کمک‌های اولیه هنگام کوهنوردی در زمستان حتما همراه‌تان باشد. از ورود به مناطق ناشناخته خودداری و با هماهنگی گروه‌های کوهنوردی و با همراهی راهنمای بومی کوهنوردی کنید. در این فصل لازم است حتما از مسیریاب الکترونیکی مانند GPS یا مختصات گوشی در مسیر استفاده کنید تا از گم‌شدن‌تان جلوگیری شود. از سوی دیگر هنگام عزیمت به مناطق کوهستانی، همراه با تیم حرکت کنید و با هم برگردید و درصورت جداشدن، تجهیزات و امکانات لازم را با خود داشته باشید و از کفش مناسب برای آن منطقه استفاده کنید. همچنین در کوهستان از تماس و استفاده غیرضروری از اینترنت خودداری کنید تا بتوانید شارژ تلفن خود را حفظ کنید. در نهایت درصورت گم‌شدن و اعلام به تیم‌های امدادی، تلفن خود را در دسترس قرار دهید و فقط پاسخگوی نیروی امدادی باشید.